



زندگی امام خمینی «قدس سره»

قسمت ششم

حجة الاسلام رحمان

برخورد امام با دشمنان



حضرت امام با سیر در صراط مستقیم عبادت و پرستش حق و گذشتن از «خود» به سوی «خدای»، راه سپرده بود. او از بیت نفس و نفس تنگ و تاریک طبیعت به سوی خدا و رسولش هجرت کرده و در بیت الحرام قلب مهذب او چیزی جز خدا یافت نمی شد که: «در خلوت مستان نه منی هست و نه مانی». امام قلب و روانش را از «خود» فارغ و تهی ساخته و خانه را به صاحب خانه واگذار کرده بود و در راستای رسیدن به چنین مقامی بود که تمام حرکتها و سکونها، سخنها و سکوتها، جام زهر نوشیدنها و شادیهها، حبها و بغضها و... و بالاخره زندگی و مرگش برای خدا و به سوی خدا بود.

گرچه محبت و غیردوستی در آغاز غریزه ای است، نشأت گرفته از «خود» و برای «خود» ولی در سیر تکاملی انسان که جای «خود» را «خدا» می گیرد، محبت و غیردوستی به صورت یک صفت اکتسابی متعالی شکل می گیرد. صفتی که از خدا سرچشمه گرفته به سوی خدا راه می سپارد.

محبت راستین که همان گرایش و دلباختن به کمال و ژیبائی است، آنگاه که به کانون اصلی و مبدأ زیبائی و کمال تعلق یافت به اوج خود می رسد: «والذین آمنوا شد حباً لله» و بازتاب چنین محبتی تمام جهان هستی را دربر می گیرد.

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست حضرت امام با چنین دریافت و بینشی نسبت به تمام پدیده های عالم به ویژه انسانها به عنوان آیات و نشانه ها و مخلوقات خدای محبوب، به دیده مهر و محبت و رحمت و شفقت می نگریست و برخلاف تبلیغات جهان استکیار که با دید ماترنگرانه و شیطان مآبانه خود، سعی داشتند از امام، چهره ای خشن و غیرعاطفی ترسیم کنند!، حضرت امام با برخورداری از آن بینش و تربیت الهی، و از زاویه دید گاه فوق الذکر، حتی بدترین انسانها و سرسخت ترین دشمنانش مانند نصیری، شاه، صدام و ریگان را دوست می داشت! و

دشمنی و بغضی که نسبت به آنها داشت برخلاف آنچه دشمنان القاء می کردند که جنبه شخصی دارد، تنها به خاطر طغیان و عصیان آنها از فرمان حق و ظلم به بندگان خدا بود. امام اگر مرگ ریگان و صدام را از خدا می خواست قبل از آن که این درخواست را نفرین به آنها تلقی کند، آن را یک دعای خیر و رحمت می دانست. خیر برای بندگان خدا که گرفتارستم آنهایند و خیر برای خود آنها که بار گناه و کیفرشان بیش از این سنگین تر و شدیدتر نشود و اگر به مبارزه با شاه برخاستند نه به خاطر یک عرض شخصی و ناپودی شخص او و رسیدن خود به حکومت بود که اگر بالفرض، شاه قبل از ارتکاب جنایات صددرصد دگرگون می شد و به یک عنصر متدین و متعبد به احکام خدا تبدیل می شد و به اجرای دستورات خدا در جامعه قیام می کرد، همانطور که خود حضرت امام در اوائل مبارزه فرمودند، قطعاً به حمایت از او بر می خاسته و هر کاری که برای تقویت او نیاز بود انجام می دادند.

و بدین ترتیب معیار و مبنای بغض و دشمنی امام، «خدا» بوده «خود» و هرگز امام یا هیچ کس به خاطر «خود» دشمنی نکرد و اصولاً هر جا که پای «خود» شان در کار بود بدون استثناء، چشم پوشی می کردند و نه فقط افرادی را که نسبت به شخص معظم له خطا و ظلمی را روا می داشتند، می بخشیدند که اکثراً و بر حسب مورد به نوعی آنان را مورد تفقد قرار می دادند و به آنان دعا می کردند!

چه بسا افراد بی هویت و مفروض و جاهل که در قم و بعد از آن در نجف اشرف حضرت امام را مورد بدترین آزارهای روحی، تهمت، افتراها و توهین ها قرار دادند که نمونه آن را حضرتشان در پیام به حوزه ها و روحانیت در مورد آب کشیدن ظرف آب فرزند برومندشان مرحوم آیه الله شهید حاج آقا مصطفی در مدرسه فیضیه اشاره فرمودند ولی حضرت امام چه قبل از انقلاب که به مرجعیت اعلی و هیمنه مطلقه در حوزه ها دست یافتند و چه بعد از انقلاب که به اوج عظمت و قدرت همه جانبه نائل شدند، گویی حتی در یک مورد به ذهنشان خطور نکرد که در صدد تلافی و انتقام برآیند، بلکه برعکس، موارد بسیار و افراد متعددی از این طایفه را



نمونه دیگر یک مسلمان عرب تبار از امریکا در نامه ای برای حضرت امام وضعیت گذشته خود را توضیح داده و نوشته بود: من با توهین به شما مرتکب گناهی بزرگ شده‌ام و این گناه به صورت کابوسی وحشتناک همواره آزارم می‌دهد و ملتسمانه درخواست عفو کرده بود که به عرض حضرت امام رسید و معظم له با آهنگی آکنده از محبت و عاطفه فرمودند: «ایشان را بخشیدم».

نمونه دیگر، یک دانش آموز مسجد سلیمانی نوشته بود: حضور محترم رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی اینجانب از شما طلب حلیت می‌کنم چرا که چندین بار در مجلسی که از شما غیبت می‌کردند، حضور داشتم خواهش می‌کنم مرا ببخشید اگر ببخشید با خط خودتان برایم بفرستید... که جواب ذیل برای او ارسال شد.



انسان دوستی بی مرز!

فطرت پاک و دست نخورده تمام مستضعفان و همه آزادگان جهان و حتی غیرمسلماتها، مجذوب انسان دوستی، آزادگی، وارستگی و جاذبه معنوی امام بود و شعاع این جاذبه تا اعماق زندانهای نژاد پرستانه امریکا و آفریقای جنوبی نفوذ کرده بود. تا آنجا که یکی از مجلات معتبر امریکا طی گزارشی از یکی از زندانهای امریکا به این واقعیت اعتراف و همراه با این گزارش عکسی را به چاپ رسانده بود که نشان می‌داد یک زندانی سیاه پوست، عکس حضرت امام را در سلول خود بالای سرش، نصب نموده بود.

در طی سالهای بعد از انقلاب هزاران نامه از مردم غیرمسلمان در سرتاسر جهان به ویژه از سیاه پوستان و سرخ پوستان و ملت‌های در بند برای حضرت امام به دفتر رسید که هریک با زبانی، شور و شوق و عشق و علاقه خود را به امام ابراز می‌داشتند و برخی خواستار کتیب و آثار و بیوگرافی امام و یا کتابهای اسلامی و قرآن بودند و گروهی طالب عکس و امضای حضرت امام یا نصیحت و اندرز و یا قطعه ای از لباس و وسائل شخصی حضرتشان، بودند.

حضرت امام نیز متقابلاً آنان را مورد محبت و تفقد خود داشتند و

که علاقمندان به امام به خاطر سوابق سیاه و آزارهایشان نسبت به امام حاضر نبودند آنها را روی زمین خدا زنده بینند حضرت امام، ابتدا به ساکن سراغ آنها را می‌گرفتند؛ به آنها کمک می‌کردند اگر مریض می‌شدند کسی را از طرف خود به عیادتشان می‌فرستادند و گرفتاریهای شخصی آنان را در حد توان برطرف می‌کردند.

ایشان را بخشیدم!

همچنین در موارد متعددی، افرادی که نسبت به شخص حضرت امام توهین و بدگویی کرده و سپس مستعبر و پشیمان می‌شدند به وسیله نامه از محضر امام درخواست عفو و بخشش می‌کردند که همه به عرض امام می‌رسید و حضرت امام بدون استثناء و در تمام موارد می‌فرمودند: «ایشان را بخشیدم». و احياناً دعا هم به آنها می‌کردند. و در صورتی که نامه دارای آدرس بود، پاسخ از سوی دفتر مکتوب و برای آنان ارسال می‌شد. از جمله همسر یکی از زندانیان سیاسی در یکی از شهرهای فارس طی نامه ای برای حضرت امام نوشته بود... از آنجائی که بشر جائز الخطا می‌باشد، شوهر اینجانبه به ساحت مقدس رهبری اساتذ اذنبه نموده و اینجانبه با کمال شرمندگی از محضر مبارک حضرت نائب الامام تقاضای عفو و بخشش نموده و استدعا دارد به بزرگواری خود وی را عفو فرمایند...

نامه مزبور طبق معمول به عرض حضرت امام رسید و پاسخ معظم له طی نامه ای که ذیلاً متن آن ملاحظه می‌شود از سوی دفتر برای روحانی سرشناس آن شهر ارسال شد.





درخواست یک دختر آلمانی



در مورد دیگری یک دختر خانم آلمانی طی نامه ای و ضمن درخواست عکس و امضای امام از محضر امام تقاضا کرده بود که معظم له چند جمله پندآمیز روی کارتی که در جوف نامه فرستاده بود برای او بنویسند و حضرت امام جملات ذیل را مرقوم فرمودند و برای او ارسال شد.

«بسمه تعالی، سعی کنید برای جامعه فرد مفید باشید. سعی کنید تحت تأثیر قدرتهای شیطانی واقع نشوید. سعی کنید انسان متعهد باشید. انشاء الله سلامت باشید.»

روح الله الموسوی الخمینی «.

ضمن آن بعضی موارد را شخصاً جواب می دادند، اجازه فرموده بودند که در سایر موارد، بر حسب تناسب و درخواست به وسیله دفتر یا وزارت امور خارجه یا وزارت ارشاد اسلامی، پاسخ شایسته همراه با قرآن مترجم و یا کتابهای درخواست شده تا حدی که از جهت متن و ترجمه مورد اطمینان باشد. برای آنان ارسال شود که در اینجا دو نمونه از مواردی که حضرت امام شخصاً پاسخ فرمودند ذکر می شود:



نمونه اول نامه ای بود که از سوی دانش آموزان مدرسه «اسپرینگ دال» واقع در «ارکانزاس» امریکا همراه با یک جفت جوراب برای حضرت امام ارسال شده بود و ضمن آن تقاضا کرده بودند که حضرت امام یک جفت جوراب مستعمل و کهنه یا هر لباس دیگری را از خودشان که بی ارزش و کهنه باشد، برای آنان ارسال فرمایند. نامه مذکور بعد از ترجمه همراه با جوراب خدمت امام تقدیم شد و معظم له به جای ارسال جوراب یا لباس، دستور فرمودند، کتابی که به وسیله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از سخنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در رابطه با کودکان تهیه شده بود، ترجمه و همراه با نامه ای که ذیلاً همین آن به نظر می رسد برای آنان ارسال گردد.

Impression de contrôle du pays d'origine (date actualisée)	Prix de vente (incluant la livraison)	Taux du bureau qui effectue l'échange
--	--	--

Handwritten Persian text in the table area, including a signature and date.

Springdale Public Schools
Central Junior High
F. O. Box 8
Springdale, AR 72764
October 9, 1981

Springdale Public Schools
Civilis Dept.
Central Junior High
F. O. Box 8
Springdale, AR 72764
October 9, 1981

عشق متقابل امام و امت

از آنجا که علاقه و دوستی امام نسبت به انسانها، در پرتو و در طول عمر مبارک به خجل بود، به طور طبیعی این علاقه و محبت نسبت به همه افراد یکسان نبود و آنگاه که نوبت به انسانهای خوب و مؤمن و محبوب خدا می رسید، محبت و علاقه امام نسبت به آنها متناسب با خلوص و ایمان افراد افزونتر و شدیدتر بود و بی گمان داستان عشق متقابل امام و امت که هر دو در گرمای عشق به حق ذوب شده بودند و در راستای راه خدا برای یکدیگر دل می باختند، داستانی است که در هزاران هزار دفتر و دیوان نمی گنجد.

در طول ده سال بعد از انقلاب صدها هزار نامه از امت برای امام به دفتر واصل شد که هر یک در معنی، غزلی از عشق و قصیده ای از محبت و دیوانی از معرفت بود که همراه با پاسخهای خاص و عام حضرت امام، «مثنوی» وحدت را بین امام و امت به صحت وجود آورد. مثنوی عاشقان پاکبخته ای که نه در هفتاد من کاغذ می گنجد و نه هفتاد هزار همچون من ظرفیت درک و توان بیانش را دارند اما: آب دریا را اگر نشووان کشید پس به قدر نشوکی باید چشید و اینک قطره هائی چند از این دریای متصل به بی کران و نمونه هائی چند از نامه های امت و پاسخهای امام:

Greetings from Central Junior High school in Springdale, Arkansas, U.S.A. Enclosed are a pair of socks displaying our school colors of blue and gold. The socks were paid for by the student... of our school working on a Civics (good citizenship) project. The goal is to help and to teach in Muslim nations.

Sincerely,
Student Representative

Handwritten Persian text in a decorative frame, containing a letter or poem addressed to the Imam, mentioning 'Springdale' and 'October 9, 1981'.



بسمه تعالی

فرزند عزیزم، من از خداوند منان مسئلت می کنم که شما را با شهداء اسلام محشور نماید و شما که سلامت خودتان را در راه اسلام داده اید از زمره شهیدان هستید. و حق خودتان را به اسلام عزیز ادا نمودید و از اینکه به جبهه نمی شود بروید ناراحت نباشید. امید است خداوند شما را حفظ فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۱ اردیبهشت ۶۳ - روح الله الموسوی الخمينی

نامه یک مادر شهید:

محضرمبارک حضرت امام خمینی سلام علیکم. با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود و سلام به شهدای عزیز انقلاب ایران، اینجانب گلایبی پورحسین مادر شهید و یک زن روستایی هستم. مدتها آرزو داشتم که از نزدیک آن امام بزرگوار را ملاقات نمایم موفق نشدم ولی امید دارم که شما را زیارت کنم. ضمناً یک هدیه ناقابل از دست بافت خودم حضور حضرتعالی تقدیم کردم که از آن استفاده ننمائید. امام بزرگوار حال که شما را زیارت نکردم اگر صلاح می دانید چند کلمه از دست خط حضرتعالی را مرقوم فرمائید تا با دیدن آن دست خط به آرزویم رسیده باشم. امیدوارم که خداوند منان سایه شما را

بزرگوار و همه مسلمان جهان مستدام بدارد. انشاء الله. به امید پیروزی هر چه زودتر رزمندگان و نابودی صدام و صدامیان

گلایبی پورحسین ۶۳/۶/۱۸

پاسخ امام

بسمه تعالی

بانوی محترمه، مرقوم شما و هدیه ارزشمندتان واصل شد. امید است خداوند تعالی شهید عزیز شما را که هدیه بوده برای اسلام با شهدای کربلا محشور نماید و به شما و سایر بازماندگان آن شهید صبر و اجر عنایت فرماید.

۱۷ ذی الحجه ۱۴۰۴ روح الله الموسوی الخمينی

Handwritten notes in Persian, including phrases like 'بسم الله الرحمن الرحيم' and 'اللهم صل علی محمد و آل محمد'.

بقیه از اصول انقلاب اسلامی

که گرد باس و درمادگی بر جبهه های منافقین و متحدان بی آبرویش می باشد. و امثال این نوع تعبیرات در باره نقش مردم در پیروزی انقلاب مقدس اسلامی و شکست توطئه های دشمنان انقلاب اسلامی و تثبیت پاینده های نهضت اسلامی و یأس و ناامیدی شیاطین از وسوس و ایجاد دلهره و نگرانی برای امت اسلامی، آن قدر زیاد و فراوان است که بر کسی پوشیده نمی باشد و این مقدار فقط از باب نمونه آورده شد. علاقمندان می توانند به موارد خودش مراجعه نمایند. و تأکید امام عظیم الشان امت اسلام روی هوشیاری و حضور مردم در صحنه های گوناگون نهضت اسلامی بوضوح نشاندهنده آن است که در نظام فکری حضرت امام مردم و اعتماد با آنان و تکیه روی آراء و نظرات آحاد میلیونی انسان بعنوان یک اصل اسلامی و انقلابی بشمار آمده و در حفظ و حراست انقلاب اسلامی و حاکمیت نظام اسلامی، از اهمیت و نقش فوق العاده ای برخوردار است و این اصل در تمام صحنه ها بصورت عینی و ملموس و واقعی باید مد نظر قرار گیرد و در حل معضلات اجتماعی و برخورد با توهم کمرشکن و بزانو در آورنده افراد کم در آمد جامعه و تعیین سرنوشت و خط مشی آینده انقلاب و نظام و اداره جامعه و مدیریتهای آموزشی و اجتماعی و صنعتی و بالأخره در تمام شئون زندگی مردم، بعنوان یک اصل مسلم و محوری در نظر گرفته شده و از قدرت و نیروی لایزال مردمی برای مشکلات و ایجاد زمینه های مناسب و مطلوب حکومت عادلانه اسلامی بنحو احسن بهره برداری بعمل آید و بطور واقعی و بصورت عام، ذهنیت

مسئولان و برنامه ریزان نظام اینطور شکل گیرد که مردم بالغ هستند و از درک بالایی برخوردار میباشند و آنان صاحبان واقعی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی هستند و هر نوع حرکت و تصمیم گیری در تحت هر عنوانی و زیر پوشش هر چیزی قرار گیرد که در دوازدهم حاکمیت مردم را متزلزل سازد و این نوع آنان را از صحنه خارج نماید و از بالا برای آنان تصمیم گیری و صلاح اندیشی صورت پذیرد و همچنین در دیپلماسی جهانی روی ملتها و مصالح ملتها تکیه شود و در ایجاد روابط و برقراری دیپلماسی مصالح حکومت ها و حاکمان مدنظر قرار گرفته و از کاتال حکومتها سیاست خارجی اعمال گردد با اصول سیاست خارجی اسلامی و امام خمینی فلسفه تنافی داشته و نوعی عدول از خط مشی انقلاب و انقلابی بودن تلقی میگردد. امید است سخنان امام «رض» در تمام زوایای وجودی عاشقان اسلام و محرومان عالم که از زور و زور و تزویر رنج میبرند و فشار چکمه های مستکبران عالم را لمس کرده و فشار ظالمانه آنان را احساس می نمایند آن مقدار نفوذ پیدا کند و ریشه بدواید که همه آنان یکدل و مصمم و با اراده آهنین بصورت سیل جهانی در آیند و قدرتهای شیطانی را با خواری و ذلت بزانو در آورند و حاکمیت مردمی و ملتها را در سراسر عالم با تکیه بر ارزشهای الهی محقق سازند.

- ۱- در جستجوی راه از کلام امام دفتر اول صفحه ۱۲
۲- در جستجوی راه امام از کلام امام دفتر نهم صفحات ۳۹۴-۳۹۵ سخنرانی ۱۵ خرداد ۵۸
۳- در جستجوی راه امام از کلام امام دفتر نهم صفحه ۵۹-۶۰-۶۱-۶۲
۴- دفتر نهم صفحات ۶۷-۶۸-۶۹